موضوع: راه ها و ابزارهای شناخت و معرفت

سومین ابزار معرفت، خبر صادق

موضوع بحث بررسی ابزارهای معرفت و شناخت بود. در جلسات قبل دو ابزار حس و عقل مورد بررسی قرار گرفت. اکنون به سومین ابزار معرفت یعنی «خبر صادق» می رسیم.

خبر گاهی به صورت شفاهی و گاه به صورت کتبی به ما می رسد. آگاهی از خبر که از طریق دستگاه بینایی و یا شنوایی صورت می گیرد، زیر مجموعه معرفت حسی است، اما مرحله بعد که آگاهی از مخبر عنه است، دیگر معرفت حسی نیست بلکه توسط عقل و قواعد عقلایی به دست می آید. این قاعده عقلایی از این قرار است که: وقتی صادق بودن مخبر برای ما محرز باشد، حکم به درستی آن خبر و علم به مخبر عنه پیدا می کنیم. مخبر عنه یک پدیده مادی است و کسی که به ما خبر می دهد از طریق حواس خود از آن آگاه شده است، اما آگاهی ما که در زمان های بعدی قرار داریم از طریق نقل است. این علم، عقلی و استنباطی است مانند اینکه می گوییم: وجود ارسطو یک واقعیت است. کسانی که وی را دیده اند برایشان یک واقعیت محسوس بوده است اما برای ما که سال ها از زمان وی می گذرد، دیگر محسوس نیست بلکه از طریق مخبر صادق به وجود او پی می بریم.

شیخ الطائفه در کتاب «الاقتصاد فی ما یتعلق بالاعتقاد»[[1]](#footnote-1)، برای شناخت اشیاء چهار طریق را ذکر کرده است که سومین طریق آن همین خبر صادق است. سه راه دیگری که وی بیان کرده از این قرار است: اولیات و فطریات، که مرتکز در عقل است، راه دیگر حواس و راه سوم شناخت از طریق علم و نظر (یعنی همان تفکر عقلی) است. این مساله نشان می دهد که در میان قدما نیز مساله ابزارهای معرفت مطرح بوده است.

ابوحفص نسفی در کتاب «العقائد النسفیه»، اسباب تحصیل معرفت را سه چیز دانسته است: «الحواس السلیمه، الخبر الصادق و العقل».[[2]](#footnote-2)

راه های کسب معرفت نقلی

معرفت هایی که از طریق خبر برای ما حاصل می شود چند گونه است:

1. خبر دهنده معصوم است. در اینجا علم به مخبر عنه قطعی و یقینی است.

2. خبر دهنده غیر معصوم است اما تعداد مخبرین زیاد و در حد متواتر است. در این صورت نیز مفید یقین است.

3. خبر دهنده غیر معصوم و تعداد مخبرین هم زیاد نیست اما شواهد و قرائن مفید یقین در مورد آن وجود دارد. معرفتی که از این خبر نیز حاصل می شود معرفت یقینی است.

4. خبر دهنده غیر معصوم و مخبرین متواتر نیستند. خبر با شواهد و قرائن هم همراه نیست اما مخبر آن ثقه و امین است. این خبر مفید ظن اطمینان آور و یا همان علم عقلایی است.

در سه فرض اول، چون خبر مفید یقین است، معرفت حاصل از آن هم در مسائل معاد و هم معاش، و هم مسائل فروع و هم اصول دین، معتبر است. در مورد فرض چهارم (یعنی خبر صادق ثقه)، نیز این خبرها در مورد مسائل دنیوی و نیز مسائل فرعی دینی معتبر و مورد اعتماد است اما اعتبار آن در اصول دین محل اختلاف است. در سال ها گذشته این مساله به تفصیل بیان شد. نظر مشهور عدم اعتبار خبر واحد ثقه در اصول دین است، اما دیدگاه دیگر این گونه خبر را در اصول دین هم همانند فروع دین معتبر می دانند.[[3]](#footnote-3) در گذشته شواهدی از سیره عقلا و آیات قرآن و روایات برای اثبات اینکه خبر فرد موثق و عادل در همه زمینه ها معتبر است بیان شد. آری در جاهای خاص که دلیل ویژه ای وجود داشته باشد مساله فرق می کند اما مقتضای اصل و قاعده اولیه این است که خبر انسان ثقه در اصول دین نیز می تواند معتبر و مستند قرار گیرد.

راه دیگر شناخت و معرفت: تهذیب نفس

یکی دیگر از راه های دستیابی به معرفت، یک راه عملی است که دستاورد آن علم حضوری است . نفس در اثر پالایش و طهارت، واقعیت را بدون واسطه صورت های ذهنی ادارک می کند. وصول به حقیقت غیر از کشف حقیقت و بالاتر از آن است. محقق لاهیجی در این باره می فرماید: «آدمی را به خدای تعالی دو راه است: یکی راه ظاهر و دیگری راه باطن . راه ظاهر راهی است که بدان خدا را توان دانست و راه باطن راهی است که از آن به خدا توان رسید، و از دانستن راه بسیار است تا رسیدن، و راه استدلال مقدم است بر راه سلوک، زیرا تا کسی نداند که منزلی هست، راهی را که او را به منزل برساند طلب نخواهد کرد». [[4]](#footnote-4)

این راه در واقع راه اهل عرفان و اهل تصوف در باب معرفت است، و استدلال و تفکر عقلی در این راه مطرح نیست. (هر چند به عنوان مبانی و مقدمات مورد استفاده قرار می گیرد). این راه با فلسفه اشراق شباهت دارد .[[5]](#footnote-5)

نکته: سیر و سلوک عملی برای کسب معرفت، مربوط به عرفان عملی است و عرفان نظری مانند فلسفه از راه تفکر عقلی بهره می گیرد. شهید مطهری می فرماید: استدلال های فلسفی همانند آن است که مطلبی را به زبانی نوشته و به همان زبان می خوانیم، اما استدلال های عرفان نظری همانند آن است که زبانی را به زبان دیگر معنا کنیم، زیرا عرفا می خواهند آنچه شهود کرده اند را به زبان اندیشه بیان کنند. [[6]](#footnote-6)

عرفان عملی و سیر و سلوک با علم اخلاق نیز شباهت دارد، اما تفاوت هایی نیز دارد زیرا سیر و سلوک عملی روندی پویا است و از نقطه ای آغاز و با طی مراحلی به مقصد می رسد، اما در اخلاق سخن از یک سلسله فضایل است که روح باید به آنها مزین شود. از نظر اخلاق، روح انسان همانند خانه ای است که باید با زینت ها مزین شود، اما در روش عرفانی، روح انسان همانند گیاهی است که باید رشد کند.

وجود راه سیر و سلوک توسط عالمان غربی نیز مورد قبول واقع شده است. برخی عالمان علم جدید مانند پاسکال، ولیام جیمز و یا برگسون این روش را برای کسب معرفت پذیرفته اند.[[7]](#footnote-7) ویلیام جیمز در باره این راه می گوید: «مایه اولیه مفهومات مذهبی از اعتقادات قلبی سرچشمه می گیرد و سپس فلسفه و استدلال های عقلی آن را تحت فرمول در می آورد. آنچه به این ساختمان استحکام و اطمینان می دهد از اعماق قلب بیرون می آید و آنچه به آن سر و صورت می بخشد کار مهندس عقل و منطق است. فطرت و قلب جلو می رود و عقل به دنبال آن همراهی می کند».[[8]](#footnote-8)

تا اینجا بیان شد که برای کسب معرفت چهار راه و ابزار وجود دارد: راه حس، راه عقل، راه خبر و راه تذکیه نفس (بحث اخیر در سالهای گذشته به تفصیل بیان شد). ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، شیخ طوسی، ص 25 [↑](#footnote-ref-1)
2. شرح العقائد النسفیه، ص 101 [↑](#footnote-ref-2)
3. ر.ک: مقاله جایگاه علم عرفی در اعتقادات دینی، فصلنامه کلام اسلامی، ش 107 [↑](#footnote-ref-3)
4. گوهر مراد، حکیم لاهیجی، ص 34 [↑](#footnote-ref-4)
5. ر.ک: کلیات علوم اسلامی، ص 124 ؛ مجموعه آثار، ج5، ص 149 [↑](#footnote-ref-5)
6. کلیات علوم اسلامی، ص 207 ؛ مجموعه آثار، ج23، ص 29 [↑](#footnote-ref-6)
7. ر.ک: مساله شناخت، شهید مطهری، ص 50 ؛ مجموعه آثار، ج13، ص 365 [↑](#footnote-ref-7)
8. دین و روان، ویلیام جیمز، ترجمه مهدی قائنی، ص [↑](#footnote-ref-8)